

زبان

آنچه بقاء ملل از آن بجهانست
مایه قومیت است و وحدت ملی
کن گذری سوی بیستون و عیان بین
برشکوه داریوش و قدرت کوروش
مردم آگاه غرب را بنگر چون
حیف که در بوستان سعدی و حافظ
ای که زبان وطن زنت بیستی
زاده ایرانی و زبانش ندانی
مام وطن ننگ دارد از چو تو فرزند
فخر مرا این بود که در همه عمر
نشر زبان مقدس وطن خود

نزد خردمند هوشیار زبانست
الفت و یکرنگی و وفاق بدانست
بس شرف و فخر کز کتیبه عیانست
فارسی باستان بزرگ نشانست
بهر زبان جد و سعیشان بچه سانست
جغد بفریاد و زاغ در جولانست
شیوه مردی و مردی نه چنانست
این روش ناکسان و خوی خسانست
کز تو زبانش بکاستی و زیانست
خدمت این خاک پاک قبله جانست
غایت مطلوب و مقصدم بجهانست

عبدالعظیم قریب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی